

سرآغاز و سرانجام هست‌ها  
شش جستار در فلسفه یونانی

# سرآغاز و سرانجام هست‌ها شش جستار در فلسفه یونانی

پرویز ضیاءشهابی



نشرکردن

## فهرست

- سخن نویسنده ----- ۳
- تالس، تولد فلسفه ----- ۷
- سرآغاز و سرانجام هست‌ها به نزدیک اناکسیمندرس --- ۲۷
- تأملی در شعاری که سقراط سرداده بود ----- ۴۵
- پابه‌پای ارسطو به جست‌وجوی دانش برین ----- ۵۵
- هست‌شناسی، دانشی که بایش جست ----- ۸۳
- ملاحظات و تأملاتی مجمل در وجوه معانی موجود
- به نزدیک ارسطو ----- ۱۱۱

## سخن نویسنده

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین سال‌ها پیش از این، من کم‌نویس، که کاشکی از این هم کمتر ولیک بهتر توانستم نوشت، چند بار ناپرهیزی کردم و از برای درج در نشریه‌ای دانشگاهی یا ارجنامه‌ی استادی ارجمند، تک‌وتوک، مقاله‌هایی نوشتم. از آن جمله است شش مقاله در فلسفه‌ی قدیم یونانی که سه‌تای آنها به ارسطو اختصاص دارد و سه‌تای دیگر به ترتیب به تالس، اناکسیمندرس و سقراط. این مقاله‌ها را چند ماه پیش یکی از دوستان (و هُوَ دکتر اسکندر صالحی) از این‌جا و آن‌جا گردآورد، در مطالعه گرفت و چنان پسندید که گفت اگر آنها را در دفتری جمع بیاوریم و به چاپ برسانیم از استقبال صاحب‌نظرانی که چندان هم کم نخواهند بود برخوردار خواهد شد.

پافشاری این دوست بر پیشنهاد چاپ مقاله‌ها در یک مجلد کوچک نخست و دیرزمانی رغبتی در من بدین کار

برنینگیخت، ولی سرانجام باعث آمد که نه از حرام کردن کاغذ بیندیشم و نه از هدر دادن وقت خوانندگان بالقوه کتاب، اگرچه هنوز هم دست و دلم کمتر بر کسادى بازار کتاب و بیشتر بر آن می‌لرزد که کتاب چاپ شده به خواندن - و آن هم به شرط مرعى داشتن دقت و سوختن زیت فکرت - کرا نکند. چون دوست و همکار عزیز دکتر مالک حسینی نیز در مقاله‌ها به عین عنایت نظر کرد، دیگر این دست آن دست کردن را در پذیرش پیش نهاد دوست روا ندیدم.

اکنون که در این کار عاقبت عزم بر رأی احجام غالب آمده درمی‌باید که حسن ظن دوستان را سپاس بگذارم و امید برم که مصداقی واقعی از آنچه انگیزه لرزش دل و دست تواند بود به دست نداده باشم.

اینک نشانی چاپ‌جای پیشین یک‌یک مقاله‌های این مجموع پریشان:

- «تالس، تولد فلسفه»، مطالعات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۱ و ۴۲، پاییز و زمستان، ۱۳۷۷.
- «سرآغاز و سرانجام هست‌ها به نزدیک اناکسیمندرس»، سالک فکرت، ارج‌نامه استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۳.
- «تأملی در شعاری که سقراط سر داده بود»، فیلسوف

فرهنگ، جشن‌نامهٔ استاد دکتر رضا داوری اردکانی،

مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران، ۱۳۸۷.

- «پابه‌پای ارسطو به جست‌وجوی دانش برین»، برهان و

عرفان، فصلنامهٔ تخصصی فلسفه و عرفان، پیش‌شمارهٔ

اول، سال اول، بهار ۱۳۸۳.

- «هست‌شناسی، دانشی که بایدش جست»، برهان و

عرفان، فصلنامهٔ تخصصی فلسفه و عرفان، سال اول،

شمارهٔ ۲، زمستان ۱۳۸۳.

- «ملاحظات و تأملاتی مجمل در وجوه معانی موجود به

نزدیک ارسطو»، سالک حکمت، ارج‌نامهٔ استاد دکتر

غلامرضا اعوانی، مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ

ایران، ۱۳۹۲.

والسلام

پرویز ضیاء‌شهابی

تهران، ۲۲ دی‌ماه ۱۳۹۵

## تالس، تولد فلسفه ۲۰۱

ویلهم ویشدل

### چکیده

اگرچه آغاز فلسفه‌ورزی در ظلمات زمان‌های پیش از تاریخ نهفته مانده است، می‌توان امروز هم هنوز قولی قدیم را قبول داشت که بنابر آن کسی که نخست فلسفه‌ورزی

---

۱. آنچه از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، ترجمه‌ای است از فصل اول کتابی به نام *Die Philosophische Hintertreppe* (و در دل مترجم هست، ان‌شاء‌الله، تمامت آن کتاب را به نام *در اندرونی فیلسوفان* به فارسی ترجمه کند)، نوشته استاد فقید آلمانی ویلهم ویشدل (Wilhelm Weischedel, 1905-1975). طبع اول کتاب به سال ۱۹۶۶ و طبع بیستم آن، که این ترجمه از روی آن صورت گرفته، به سال ۱۹۹۱ (جزء انتشارات dtv) واقع شده است. کتاب مشتمل است بر ۳۴ مقاله و در هر مقاله استاد ویشدل با طنزی استادانه - که از فرط جدی گرفتن تفکر فلسفی مایه می‌گیرد - خواننده را چنان به میان زندگی و تفکر یک فیلسوف می‌کشانند که، الحق والانصاف، باید گفت کسانی که بتوانند بدین خوبی و استادی آشنایی با تفکر فیلسوفان را درآمد کنند، بسیار کم‌اند.

۲. حکیم معاصر حضرت استاد آشتیانی را بر این حقیر حقوقی است و رای حد تقریر (والمنة لله که در عصر حاضر نیز این سرزمین مقدس از حکمای الهی خالی نیست؛ و خالی مباد، هرگز! بمنه و کرمه). تا در عین عرض سپاس به راستای استاد به ناتوانی خویش نیز از گزارد حق ایشان اقرار بیاورد، ترجمه‌ای را در پایشان می‌ریزد که اصل متن آن، به نزدیک مترجم، به براعتی تحسین‌انگیز و مهارتی شگفت‌آور در نگارش آمده است.

کرده است، تالس ملطی بوده است. تالس پرسیده است: چیست اصل آنچه هست؟ بدین پرسش - که نه پرسشی است در خصوص این چیز و آن چیز - پاسخ داده است: آب. آیا تالس ماتریالیست (ماده‌انگار) بوده است؟ آخر مگر نگفته است که اصل آب است؟ و نه مگر آب جسم است و عنصری مادی؟ ولی از تالس گفته دیگری هم باقی مانده است، و آن این است که «هر چه هست پر است از خدایان». اگر بپذیریم که هر یک از دو گفته بازمانده از تالس نه ناقض که مفسر دیگری است، می‌توانیم تالس را از آن روی آغازگر فلسفه بدانیم که اصل و ذات آنچه را هست، به اندیشه، باز بسته است و آن را - کز آن هر هست آمده است و بدان نیز بازمی‌گردد - اصلی دانسته است ایزدی.

کسی که پیر شده است و آخرهای کار خویش را نزدیک می‌بیند، بازاندیشی اول‌های زندگانی‌اش را، در هر فرصتی که پیش آید، خوش می‌دارد. بر فلسفه هم همین ماجرا رفته است. اکنون عمرش بیش از ۲۵۰۰ سال شده است، و کسانی که آخر کارش را نزدیک می‌بینند، کم نیستند. در هر کس که امروز به فلسفه اشتغال ورزد، گه‌گاه این احساس می‌خلد که با چیزی سروکارش افتاده است فرسوده و فرتوت. از این تأثر نیاز می‌خیزد که بازگذشته‌اندیش شود و آغازها را باز جوید، و آن‌گاه را باز جوید که فلسفه هنوز شاداب بود و سرزنده و سرشار از نیروی جوانی.